



ساعت صفر

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱۴ • ۱۰ شهریور ۱۴۰۱

نوجوان
بازار



اسما
آزادیان



امیرعلی
حبیبی

چرا؟

انسان‌های اولیه مثل احتیاج‌شان به آب و غذا، به مهارت داشتن محتاج بودند. آن وقت‌ها اینترنت، متخصص و حتی ابزار درست و حسابی وجود نداشت که هر جا کارت گیر کرد و نمی‌دانستی باید چه کنی از آنها کمک بگیری. سخت بود روی پای خودت بایستی و زندگی اداره کنی. باید همه چیز را بلد بودی، از شکار و روشن کردن آتش گرفته تا استفاده‌های دیگر از طبیعت و ترفندهای دور کردن حیوانات درنده. اما حالا دیگر لازم نیست همه مهارت‌ها را کاملاً بلد باشیم، آنها که ضروری‌اند را یاد می‌گیریم و برای بعضی‌های دیگرشان از متخصص کمک می‌گیریم و به یک سری از مهارت‌ها هم اصلاً احتیاج پیدا نمی‌کنیم. اما همچنان زندگی کردن بدون این‌که انجام دادن یک سری کارها را بلد باشیم، تقریباً سخت است.

مثلاً در ذهنت موقعیتی را تصور کن که در گیرودار یک شرایط متوجه شوی همه هم کلاسی هایت بلدند غذا درست کنند اما تو هنوز از روشن کردن اجاق گاز می‌ترسی!



بزنگاه

هرکاری در چرخه زندگی یک بزنگاه دارد. مثلاً بچه‌ها از هفت ماهگی تا ده ماهگی دندان درمی‌آورند یا اولین قدم‌هایشان را یک جایی بین ۹ ماهگی تا یک ساله شدن برمی‌دارند. زمان طلایی کشف مهارت و استعداد هم مربوط می‌شود به سال‌های نوجوانی که اگر مدرسه و خانواده ماجر را سرسری بگیرند و توانایی و استعداد بچه‌ها شناخته نشود، ممکن است مسیر پیش‌رویشان که دست بر قضا پرپیچ و خم هم است به بیراهه برود. برای مثال تصور کنید بتهوون به خاطر یک سری اشتباهات آموزشی در نوجوانی، مسیرش تغییر پیدا می‌کرد و به جای حوزه موسیقی، سر از آشپزی یا معلمی و هر حرفه دیگری درمی‌آورد!

نوجوانی دوران تجربه کردن‌ها و اولین انتخاب‌های بزرگ است. زمانی که هنوز آن قدرها از دنیای کودکی دور نشده‌ایم ولی مختصات زندگی مان، کارهایی که باید انجام بدهیم، درس‌هایی که باید بخوانیم و صد البته سوال‌های جدیدی که برای اولین بار در مغزمان سبز می‌شوند، زنگ هشدار ورود رسمی مان به دنیای وسیع‌تری را به صدا درمی‌آورند.



الگوهای غلط انداز

مهارت‌ها، رشته‌های مختلف ورزشی و خیلی چیزهای دیگر هم مثل مدل لباس یکهو اینستاگرام‌ت را باز می‌کنی و می‌بینی انگار همین حالا، همه دنیا دارند یو می‌کنند. یا همه با دوربین آخرین مدل نیکون در دوره عکاسی خانم ایگرگ شرکت کرده‌اند و حالا از این به بعد قرار است با آن قاب‌بندی‌های بی‌مثال‌شان پول پارو کنند. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کاری که وقتی می‌خواهیم سمت انتخاب و یادگیری یک مهارت برویم باید انجام بدهیم، جوگیر نشدن است! همان قدر که بدنسازی ورزش است، بسکتبال و تکواندو هم ورزش است و همه‌مان هم قرار نیست عکاس بشویم. باید به خودمان، علاقه‌مان و ظرفیت‌های مان نگاه کنیم و ببینیم دقیقاً چه می‌خواهیم، آن استعداد و قابلیت بزرگ مان نقاشی و طراحی است؟ یا یک آنه شرلی درون داریم که بیست و چهار ساعت شبانه‌روز می‌خواهد خیال‌بافی کند و قصه بگوید. یا نه! اصلاً عشق آچار فرانسه و پیچ و مهره‌ایم و مدام دوست داریم یک وسیله‌ای دم‌دست مان باشد و تعمیرش کنیم؟



خب که چی؟

قطعه‌ها ماقبل از انجام هر کاری به این فکر می‌کنیم، خب که چی؟ این خب که ما را از کارهای درست و غلط زیادی باز می‌دارد. بدون شک نوجوانان ما هم مشقت‌های مهارت‌آموزی، یک بار به خودشان می‌آیند و می‌گویند خب که چی؟ آگ مهارت‌آموزی‌شان امتیازهایی برای بالا رفتن امید و انگیزه داشته مهارت‌آموزی فراری نمی‌شوند و حتی با شوق بیشتر می‌روند. جواب سؤال «خب که چی؟» می‌تواند تسهیل و استفاده از مهارت در سربازی گرفته تا قرار دادن ردیف‌های شغلی و ارائه خدمات و اداری متفاوت به مهارت‌آموزان باشد. دیگر از مطالبات بحق این دسته از به رسمیت شناختن فعالیت آنهاست که پیش این اتفاق می‌افتاد. خلاصه که آقای همه مهارت، استعداد و ظرفیت است که به حال‌شان بکنند.



چگونگی

به نسبت سال‌های نه چندان دور که اگر می‌خواستی کار و حرفه‌ای را یاد بگیری باید می‌رفتی بازار و شاگردی می‌کردی تا چم و خم کار دستت بیاد، این روزها علاوه بر کلاس‌ها و کارگاه‌های رنگ و وارنگی که در همه حوزه‌ها و حرفه‌ها وجود دارند و به لطف کرونا، محتوای آنلاین و مجازی هم به بقیه قابلیت‌هایشان اضافه شده، با چند تا سرچ ساده در گوگل هم فیلم‌های آموزشی خوبی پیدا می‌شود که بعضاً به اندازه یک کارگاه به ما اطلاعات خوب و عملی می‌دهد. اما اولین گام این است که بفهمیم اتمسفر فضای ذهنی مان چیست و بعد از بالا پایین کردن اولویت‌ها و علاقه‌هایمان به یک معیار مهم ولی نسبتاً فراموش شده هم فکر کنیم. این که در کجا و کدام نقطه به نسبت بقیه حرفه‌ها و مهارت‌ها مفیدتریم و علاوه بر خوب کردن حال خودمان می‌توانیم حال چند نفر دیگر را هم خوب کنیم یا یک خلأ و حفره هرچند کوچک را جبران کنیم. بعد برویم سراغ یادگیری مهارتی که با عقل و قلب انتخابش کرده‌ایم که البته درگوشی به شما می‌گویم که یادگیری بدون تجربه کردن خیلی به کارتان نمی‌آید. همه چیز روی کاغذ، تخته و هنگام حرف زدن با وقتی که به طور جدی مشغول به فعالیت می‌شوید و با چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنید فرق دارد.

